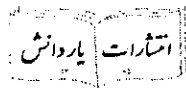


الرسالة الحاتمية

«ترجمہ، تحلیل، نقد و تطبیق با متون ادب فارسی و عربی»

دکتر وحید سبزیان پور

ہدیہ جهانی



۱۳۹۲

سرشناسه: سبزیان پور، وحید، ۱۳۳۷- توشیحگر
 عنوان قرارداد: الرسالة الحاتمية. شرح
 عنوان و نام پدیدآور: الرسالة الحاتمية (ترجمه، تحلیل و نقد)/ شارح وحید سبزیان پور، هدیه
 جهانی
 مشخصات نشر: تهران: یار دانش، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۰۹-۳-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتاب حاضر شرحی بر کتاب «الرسالة الحاتمية» تألیف محمد بن حسن الحاتمی
 است.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۹۰، همچنین به صورت زیر نویس.
 موضوع: متنبی، احمد بن حسین، ۳۰۲-۳۵۲ ق، ارسطو، ۳۸۲-۳۲۲ ق.م- تأثیر- متنبی،
 احمد بن حسین، حاتمی، محمد بن حسن، ۳۸۸ ق. الرسالة الحاتمية- نقد و تفسیر- شعر
 عربی- قرن ۴ ق.- تاریخ و نقد- شعر عربی- قرن ۴ ق.- ترجمه شده به فارسی.
 شناسه افزوده: جهانی، هدیه، ۱۳۶۵- توشیحگر
 شناسه افزوده: حاتمی، محمد بن حسن- ۳۸۸ ق. الرسالة الحاتمية. شرح.
 رده بندی کنگره: ۳۹۱۷ PJA ۱۳۹۲ ۲ ص ۵۰۸ ر/
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۴۶۴۴

کتاب:..... الرسالة الحاتمية (ترجمه، تحلیل، نقد و تطبیق با متون ادب فارسی و عربی)
 تألیف:..... دکتر وحید سبزیان پور، هدیه جهانی
 نوبت چاپ:..... اول-۱۳۹۲
 ویراستار علمی:..... دکتر جهانگیر امیری
 ناشر:..... یار دانش
 شمارگان:..... ۱ جلد
 قیمت:..... ۸۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه		أ
الرسالة الحاتمية		١
بی نوشت		۸۷
فهرست عناوین		۱۳۳
فهرست آیات قرآن		۱۳۵
فهرست احادیث و روایات		۱۳۷
فهرست اشعار عربی		۱۳۹
فهرست اشعار فارسی		۱۴۷
فهرست امثال عربی		۱۵۳
فهرست امثال فارسی		۱۵۵
فهرست منابع		۱۵۷

پیشگفتار*

«محمد بن حسن حاتمی (۳۸۸ هـ)» در «الرسالة الحاتمية» صد مضمون از اشعار متنبی را متأثر از حکمت یونان دانسته است. این کتاب در آثار پس از خود به ویژه شروح دیوان متنبی تأثیر بسیار گذاشته و از اهمیت بسیاری در پژوهش‌های تطبیقی برخوردار است. در یکی از مجلات عربی به همت فؤاد أفرم بستانی به چاپ رسیده است، از آنجا که دسترسی به این چاپ دشوار است و به صورت کتاب ارائه نشده، تلاش کرده‌ایم علاوه بر چاپ و ارائه این کتاب به علاقه‌مندان، با ترجمه، اعراب‌گذاری، نقل مضامین مشابه عربی و فارسی، به نقد و بررسی دیدگاه‌های حاتمی بپردازیم. همچنین نشان داده‌ایم که منبعی برای این حکمت‌های یونانی وجود ندارد، این مضامین قبل از آن که یونانی باشند اسلامی هستند و بسیاری از آن‌ها در فرهنگ ایرانیان باستان وجود داشته است، همچنین می‌توان ادعا کرد که گاه حاتمی در انتخاب حکمت‌ها دچار خطا شده و تطبیقی شایسته در این زمینه نداشته به علاوه بسیاری از این صد مضمون در اندیشه‌های بشری مشترک هستند. تأثیر فراوانی که الرسالة الحاتمية در ادب عربی گذاشته از دلایل انتخاب این کتاب برای بررسی و پژوهش می‌باشد.

معرفی حاتمی

ابوعلی محمد بن حسن بن مظفر، ادیب، شاعر، لغوی و ناقد نامور سده‌ی (۴/۱۰ ق.م) در بغداد زاده شد و از کودکی به فراگیری شعر و ادب روی آورد و در جوانی به محافل عالی ادبی و دربار سلف الدوله راه یافت. حاتمی به سبب خودخواهی و بدزبانی، با شاعران و ادبای روزگار خود، مناقشات شدیدی داشته است. شهرت حاتمی بیشتر در حوزه نقد است، رساله‌ها و مناظره‌هایش در این زمینه، اهمیت بسیاری دارد. (نک: باقر، ۱۳۹۰: ۵۰۴-۵۰۵)

* - از این اثر یک مقاله با عنوان «معرفی و نقد کتاب الرسالة الحاتمية» در فصلنامه‌ی نقد و ادبیات تطبیقی دانشکده‌ی ادبیات، دانشگاه رازی شماره‌ی ۵، بهار ۹۱، صص ۸۳-۱۱۴ به چاپ رسیده است.

معرفی الرسالة الحاتمية

از حاتمی کتاب‌هایی با این عناوین به چاپ رسیده است: ۱- حلیۃ المحاضرة فی صناعة الشعر ۲- الرسالة الموضحة فی ذکر سرقات ابی الطیب المتنبی وساقط شعره ۳- الرسالة الحاتمية.^۱ او در کتاب اخیر با مقایسه مضمون ۱۰۰ بیت از اشعار متنبی با سخنان منقول از ارسطو، متنبی را وامدار فرهنگ یونانی معرفی کرده است. (نک: باقر، ۱۳۹۰: ۱۹/۵۰۵-۵۰۶) نسخه‌ی اساس ما الرسالة الحاتمية به کوشش فواد افرام بستانی است (۱۳۳۱م) است:

منابع حاتمی

حاتمی برای حکمت‌های یونانی هیچ منبعی ذکر نکرده، وقتی دست کم دو شاهد از ابیات منسوب به متنبی در دیوان او دیده شود، (شماره ۷۸ و ۹۴)^۲ چگونه می‌توان با اطمینان گفت که این عبارات از ارسطو است. نکته دیگر اینکه حاتمی این ۱۰۰ جمله حکیمانه را فقط از ارسطو نقل کرده، آیا دیگر حکیمان یونانی چون افلاطون و سقراط سخن حکیمانه نداشته‌اند؟ (عباس، ۱۹۷۷: ۱۶۱) احسان عباس در انتساب این حکمت‌ها به ارسطو تردید روا داشته است و ده مورد از عباراتی را که حاتمی به ارسطو نسبت داده از دیگر حکیمان نقل کرده است از جمله افلاطون (شماره ۲۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۷۷) سقراط (شماره ۵، ۲۹، ۵۰) دیوجانوس (شماره ۳۶) علی ابن ابی طالب (شماره ۳۲) (نک: همان، ۱۹۷۷: ۱۴۹-۱۶۴)، علاوه بر مواردی که احسان عباس نقل کرده چهار حکمت زیر نیز از کسانی غیر از ارسطو نقل شده است:

۱- حکمت (شماره ۱) سقراط (نک: ابن منقذ، ۱۹۸۷: ۴۳۷)

۲- حکمت (شماره ۲۵) اسکندر (نک: ثعالبی، ۱۸۹۷: ۴۵)

۳- حکمت (شماره ۷۴) افلاطون (نک: ابن ابی حجلة، ۱۹۹۹: ۲۲)

۴- حکمت (شماره ۸۸) افلاطون (نک: ابن هندو، ۱۹۰۰: ۲۳)

انگیزه حاتمی در نوشتن کتاب

ابن خلکان (۱۹۷۱، ۳۶۲/۴-۳۶۷) درباره انگیزه حاتمی از نوشتن این رساله می‌گوید: متنبی پس از بازگشت از مصر، از مدح وزیر مهلبی امتناع ورزید، زیرا عادت به مدح شاهان داشت، مهلبی شعراء و ادباء

* - منظور از این اعداد شماره‌ی مضمون در همین چاپ است.

را علیه وی تحریک کرد، حاتمی که از وابستگان وزیر بود برای کسب رضایت مهلبی، به دنبال فرصت می‌گشت تا روزی به منزل متنبی وارد شد و به این صد مورد از سرقت‌های متنبی از فلسفه یونان اشاره کرد. اگر این سخن همچنان که خودش می‌گوید در یک جلسه صورت پذیرفته باشد نشان از اطلاعات عظیم وی دارد.^۱

تأثیر الرسالة الحاتمیة بر کتب بعد از خود

این کتاب در آثار نویسندگان پس از خود تأثیر بسیار گذاشته است. نویسندگان بسیاری از جمله ابن-حمدون (۱۴۱۷، ۱/۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و...)، ثعالبی (۱۴۰۱: ۱/۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و...)، راغب اصفهانی (۱۴۲۰: ۱/۵۲۲ و ۵۸۹ و ۱۷۴ و...) و... بسیاری از شواهد حاتمی را همراه با اشعار متنبی نقل کرده‌اند، عمیدی (۱۹۶۱: ۱۷۰ و ۱۶۴ و ۱۷ و...) ۴۱ مورد از این حکمت‌ها را در کتاب «الإبانة عن سرقات المتنبي» به عنوان سرقت متنبی آورده است. اسامة بن منقذ (بی‌تا: ۲۵۹-۲۸۳) ۹۶ مورد از ۱۰۰ شاهد حاتمی را در کتاب البدیع فی نقد الشعر نقل کرده است.

متنبی و سرقت ادبی

هنر متنبی (۳۰۳-۳۵۴ هـ) شاعر برجسته عصر عباسی، لباس پوشاندن بر معانی قدیمی است. (نک: عمیدی، ۱۹۶۱: ۱۲) برخی ناقدان او را سارق مضامین شعری معرفی کرده‌اند ابن‌رشیق می‌گوید: «ابوطیب مثل یک پادشاه ستمگر، هر آنچه را که در اطرافش بوده است، با زور و خشونت می‌گرفته است. یا مانند یک فرد شجاع، بر هر آنچه که می‌خواست، هجوم می‌برده است.» (قبروانی، ۱۹۸۱: ۱/۱۴۳)

سرقت ادبی متنبی آنقدر شهرت دارد که بی‌نیاز از توضیح است، زیرا کتاب‌های بسیاری در این خصوص نوشته شده از جمله: «الکشف عن مساوی شعر المتنبي» از صاحب بن عباد؛ «الأبانة عن سرقات المتنبي لفظاً ومعناً» از عمیدی؛ «المنصف» از ابن‌وکیع. ثعالبی و ابوהלلال عسکری در بخش‌هایی از کتاب‌های «یتیمه الدهر» و «الصناعتین». اتهام سرقت ادبی به متنبی آنقدر بالا گرفت که قاضی جرجانی کتابی به نام «الوساطة بین المتنبي وخصومه» تألیف کرد تا با انصاف و عدالت موضوع سرقات او را بررسی کند.

نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که مضامین ابیات متنبی که حاتمی ارائه کرده است، نه تنها فلسفی نیستند، بلکه رنگ و بوی حکمی آنها نیز ضعیف است:

متنبی:

- ۱- وقتی ترسو در یک سرزمین خالی (دور از دشمن) قرار می‌گیرد، خواستار جنگ می‌شود (ش. ۳۶).
- ۲- اشعار من برای جاهلان ضرر دارد (ش. ۷).
- ۳- فقر برای جوانمرد به اندازه ثروت برای فرومایه زشت است (ش. ۳۰).
- ۴- من غرق شده‌ام، ترسی از باران ندارم (ش. ۱۴).

فخر، مدح

از ویژگی‌های اولیه‌ی حکمت، عمومیت و نداشتن زمان، مکان و شخص است، در برخی ابیات متنبی، مضامینی در فخر و ستایش روزگار به کار رفته که حاتمی آن‌ها را در ردیف حکمت قرار داده است، البته این احتمال که خود این فخر و یا مدح بن‌مایه‌ی حکمی داشته باشد، منتفی نیست؛ ولی عموماً حکمت، عام است و فخر و مدح، خاص و مقایسه‌ی این دو با هم بسیار دشوار است، از جمله:

- ۱- ارسطو: مَنْ نَظَرَ بَيْنَ الْقَلْبِ وَرَأَى عَوَاقِبَ الْأُمُورِ قَبْلَ مُوَارِدِهَا لَمْ يَجْزَعْ لِحُلُولِهَا: هر کس با چشم دل بنگرد و عواقب امور را قبل از گرفتاری ببیند، از اندازی به آنها بی‌تابی نمی‌کند.

متنبی:

عَرَفْتُ اللَّيَالِيَ قَبْلَ مَا صَنَعَتْ بِنَا
لَقَدْ أَهْتَسَنِي لَمْ تَزِدْنِي بِهَا عِلْماً

شب‌های (تیره روزگار) را قبل از مصیبت شناختم، پس هنگامی که مرا دچار بلا کرد، آگاهی (جدیدی) به من اضافه نگردید. (ش. ۶۵).

محور سخن ارسطو بی‌تابی در مصیبت است که در بیت متنبی دیده نمی‌شود. ارسطو انسان‌های آگاه را صبور در مصائب می‌داند، متنبی خود را نسبت به بی‌وفایی دنیا آگاه می‌داند.

- ۲- ارسطو: النَّفُوسُ الْمُتَجَوِّهَةُ تَتْرَكُ الشَّهَوَاتِ الْبَهِيمِيَّةَ طَبْعًا لَا خَوْفًا: جان‌های پاک، شهوات حیوانی را از روی طبیعت ترک می‌کنند نه از روی ترس.

متنبی:

وَتَسْرَى الْقُوَّةَ وَالْمُرُوءَةَ وَالْأَبُو
وَهَ فِي كُلِّ مَلِيحَةٍ ضَرَاتِهَا

هُنَّ الثَّلَاثُ الْمَانِعَاتُ لِلذَّيْسِ فِي خَلَوْتِي لَا الْخَوْفُ مِنْ تَبَاعِثِهَا

هر زن زیبایی در من سه ویژگی سخاوت، جوانمردی، انسانیت را چون هووی خود می‌بیند. این سه مانع لذت من در خلوت است، نه ترس از عواقب آن (ش. ۵۰).

۳- ارسطو: الْإِتِّلَافُ بِالْجَوَاهِرِ قَبْلَ الْإِتِّلَافِ بِالْأَجْسَامِ: الفت جان‌ها، قبل از دوستی بدن‌ها صورت می‌گیرد.

منتبی:

أَصَادِقُ نَفْسِ الْمَرْءِ مِنْ قَبْلِ جِسْمِهِ وَأَعْرِفُهَا فِي فِعْلِهِ وَالتَّكَلُّمِ

من قبل از ارتباط با جسم اشخاص با روح آن‌ها دوستی می‌کنم و آن‌ها را از رفتار و سخنشان می‌شناسم. (ش. ۴۸).

در هر سه سخن منسوب به ارسطو، موضوع، عام و همگانی است، در حالی که منتبی در مقام فخر و تعریف از خود است. نکته‌ی مهم این است که هرکسی ممکن است در مقام ستایش خود ادعای جوانمردی و پاکدامنی کند و بگوید من آدم شاس هستم، با یک کلمه مخاطب را می‌شناسم^{۱۲} و...

۴- ارسطو: بِإِنْفَازِ سَهْمِ الْحَزْمِ تُدْرِكُ صِحَّةُ الْعَزْمِ: با تیر دوراندیشی به عزم دست، می‌توان رسید. منتبی:

مَعَ الْحَزْمِ حَتَّى لَوْ تَعَمَّدَ تَرَكَهُ لَأَحَقَّقْتُ تَضْيِيعَهُ الْحَزْمَ بِالْحَزْمِ

آنقدر با احتیاط است که اگر عمداً بخواهد ترک احتیاط کند، نادیده گرفتن احتیاط، او را محتاط می‌کند. (ش. ۶۱).

ارجاع نادرست

حاتمی ابیاتی را به منتبی نسبت داده که در دیوان او دیده نمی‌شود، از جمله:

۱- وَالْمَرْءُ مِنْ رَيْبِ الزَّمَانِ كَأَنَّهُ عُدُوٌّ تَسْدَأُولُهُ الرُّعَاغُ رُكُوبُ حَتَّى يُصَابَ سَوَادُهُ الْمَنْصُوبُ غَرَضٌ لِكُلِّ مَنِيَّةٍ يُرْمَى بِهَا

(ش. ۷۸)

بیت بالا در امالی (زجاجی، ۱۴۰۷: ۱۲۸) نقل شده و در دیوان منتبی وجود ندارد.

۲- وَالْفَقْرُ فِي النَّفْسِ لَا فِي الْمَالِ نَعْرِفُهُ

وَمِثْلُ ذَاكَ الْغِنَى فِي النَّفْسِ لَا الْمَالِ

(ش. ۹۴)

این بیت از خلیل ابن احمد فراهیدی (۱۹۷۳: ۱۹) است.

مضامین مشابه در کتاب حاتمی

در پاره‌ای از موارد، شاهد تکرار مضامین حکمت‌ها می‌باشیم، حاتمی خواسته یا ناخواسته با تکرار مضامین مشترک، موضوع را بزرگ‌نمایی کرده است به این معنی که اگر مضامین مشترک را در ذیل عنوان‌های واحد قرار می‌داد، ۱۰۰ شاهد او دست کم به ۵۰ تا ۶۰ مورد می‌رسید، احسان عباس تکرار مضامین را از اشکالات کتاب می‌داند (نک. عباس، ۱۹۷۷: ۱۵۸)، برای نمونه حاتمی دیدگاه ارسطو را دربارهٔ مرگ در چهار جای مختلف نقل کرده است:

۱. موضوع مرگ از دیدگاه‌های متفاوت

۱- ۱. ارسطو: النَّفْسُ الْبְهیمیَّةُ مُسَاکِنَةُ الْأَجْسَامِ الثَّرَائِیَّةِ، وَلِذَلِكَ یَصْعَبُ عَلَیْهَا مَفَارَقَةُ أَجْسَامِهَا، وَالنَّفْسُ الصَّافِیَّةُ بِضَدِّ ذَلِکَ: نَفْسٌ حِیَوَانِیَّةٌ، فِي أَجْسَامِ حَاكِی مَسْكُنٍ گزیده‌اند و به همین خاطر جدائی آن‌ها از بدن‌هایشان سخت است ولی نفوس پاک برعکس آن می‌باشد. (ش. ۲۹).

۱- ۲. ارسطو: النَّفْسُ الثَّرِیْفَةُ تَرَى الْمَوْتَ بَقَاءً، لِذَلِكَ النَّفْسُ أَمَاكِنُ الْبَقَاءِ. (وَهَذِهِ خَالٌ یَعْجِزُ الْخَلْقُ عَنْ رُكُوبِهَا). انسان شریف، مرگ را بقاء می‌داند زیرا نفس آدمی جایگاه بقا را می‌شناسد. (و این حالتی است که مردم از فهم آن ناتوانند)، (ش. ۸۶)

۱- ۳. ارسطو: إِذَا تَجَوَّهَرَتِ النَّفْسُ الْفَلَسَفِیَّةُ لَحِقَتْ بِالْعَالَمِ الْعِلَوِیِّ، فَلَا تَسْكُنُ إِلَى الْهِمَمِ الثَّرَائِیَّةِ وَلَا یَعْتَرِیْهَا مَلَلٌ: هنگامی که جان‌های حکیم، شکوفا می‌گردند به عالم بالا ملحق می‌گردند، پس با خواسته‌های دنیایی مأنوس نمی‌شوند و غم و اندوه آن‌ها را در بر نمی‌گیرد. (ش. ۲۶)

۱- ۴. ارسطو: مَوْتُ النَّفْسِ حَیَاتُهَا، وَعَدَمُهَا وَجُودُهَا، لِأَنَّهَا تَلْحَقُ بِعَالَمِهَا الْعِلَوِیِّ. مرگ جان‌ها، در حقیقت زندگی آن‌هاست و نابودی آن‌ها ادامه‌ی وجود آن‌هاست زیرا به عالم والای خودشان ملحق می‌گردند. (ش. ۵۴).

به راستی چه تفاوتی بین چهار مضمون بالا وجود دارد که حاتمی آن‌ها را در چهار جای مختلف نقل کرده است؟ حقیقت این است که مضمون چهار عبارت بالا یکی است: تقسیم مردم به دو گروه فرومایه و

آزاده، وابستگی گروه اول به زندگی و نفرت از مرگ و استقبال گروه دوم از مرگ و تفسیر دل‌نشین از آن.

دیدگاه مثبتی درباره مرگ و حیات که در آیات زیر، بر اساس ادعای حاتمی به ترتیب برگرفته از حکمت‌های بالاست، چیز دیگری است:

۵-۱. اِلْفُ خَلَا الْهَوَاءُ اَوْقَعَ فِي الْاَرْضِ فُسِرَ اَنْ الْجِسَامَ مَرُّ الْمَذَاقِ

انس با این هوا، این مفهوم را در دل‌ها انداخت که طعم مرگ تلخ است. (ش. ۲۹).

موضوع این بیت، وابستگی نفس آدمی به دنیای مادی است و سخن از تفاوت انسان‌های خوب و بد نیست.

۶-۱. سُبْحَانَ خَالِقِ نَفْسِي كَيْفَ لَدَّهَا فِيمَا النُّفُوسُ تَرَاهُ غَايَةَ الْاَلَمِ

پاک و منزّه است خداوندی که مرا آفریده است! چگونه (نفس من) از چیزی لذّت می‌برد که مردم آن را نهایت درد می‌دانند. (ش. ۸۶).

این بیت نمونه‌ای از مدیحه‌سرایی مثبتی در وصف شجاعت ممدوح است، نه حکمی است و نه فلسفی. در حالی که سخن ارسطو حکمی و عام است و تعلق به هم‌کال دارد.

۷-۱. وَلَذِيذُ الْحَيَاةِ اَنْفُسٌ فِي النَّفْسِ سِرٌّ وَاَشْفَى مِنْ اَنْ يُمَلَّ وَاَحْلَى

و لذّت زندگی ارزشمندتر و شیرین‌تر از آن است که صاحبش از آن خسته شود. (ش. ۲۶).

۸-۱. كَانَكَ بِالْفَقْرِ تَبْغِي الْغِنَى وَبِالْمَوْتِ لِي الْحَرْبِ تَبْغِي الْخُلُودَا

گوئی تو از فقر (بخاطر بخشش فراوان)، ثروت طلب می‌کنی و از مرگ در جنگ، زندگی جاودانه می‌خواهی. (ش. ۵۴).

ارسطو از عروج روح آدمی به عالم علوی سخن می‌گوید، مثبتی ممدوح خود را آنقدر سخنی و شجاع می‌داند که می‌گوید: انگار که تو با بخشش (که موجب فقر است) به دنبال ثروتی و با جان‌بازی در جنگ (که موجب مرگ و نیستی است) به دنبال حیات جاودانه‌ای. این هم نمونه دیگری از مدح مثبتی است که حاتمی آن را حکمت دانسته است.

۲. دیدگاه‌های متفاوت درباره دنیا

در میان شواهدی که حاتمی نقل کرده، مثبتی در سه بیت، بدبینی خود را به دنیا نشان می‌دهد:

۱-۲. وَمَنْ صَحِبَ الدُّنْيَا طَوِيلًا تَقَلَّبَتْ عَلَى غَيْرِهِ حَتَّى يَرَى صِدْقَهَا كِذْبًا

هرکس مدتی طولانی در دنیا بماند، دنیا در چشمش دگرگون می‌شود تا آنجا که راستش را هم دروغ می‌بیند. (ش. ۱۰).

۲-۲. فَمَا تَرْجَى النَّفْسُ مِنْ زَمَنٍ أَحْمَدُ حَالِمٍ غَيْرُ مُحْمَدٍ

جان‌ها از زمانه‌ای که بهترین دو حالتش (جوانی و پیری و یا حیات و مرگ) ناخوشایند است، چه توقعی دارند؟ (ش. ۸).

۳-۲. أَبْسَدُ تَسْتَرِدُّ مَا تَهَبُ الدُّنْيَا يَا فَيَا لَيْسَتْ جُودَهَا كَانَ بُخْلًا

دنیا همیشه آنچه را که می‌بخشد پس می‌گیرد ای کاش بخشش بخل بود (حیاتی در کار نبود)، (ش. ۳۴). حال عبارت‌های حاتمی را که برای اثبات تأثیر پذیری آیات بالا از ارسطو نقل کرده به ترتیب مورد تأمل قرار می‌دهیم:

۴-۲. حَرَكَاتُ الْفَلَكَ يُحِيلُ الْكَائِنَاتِ عَنْ حَقَائِقِهَا: گردش چرخ گردون، موجودات را از حقیقت خویش دگرگون می‌سازد (ش. ۱۰).

۵-۲. تَعَاقُبُ أَيَّامِ الزَّمَانِ مَفْسَدَةٌ لِأَحْوَالِ الْعِيَانِ: پی در پی آمدن روزها، مایه‌ی تباهی احوال موجودات است. (ش. ۸).

۶-۲. الدُّنْيَا تُطْعِمُ أَوْلَادَهَا، وَتَأْكُلُ مَوْلُودَاتِهَا: دنیا به فرزندان‌اش غذا می‌دهد و آن‌ها را می‌بلعد (ش. ۳۴).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، متنبی دنیا را مکار و حيله‌گر می‌داند، بهترین حالت آن را یعنی زنده بودن و جوانی را ناخوشایند می‌بیند و آرزو می‌کند، کاش چرخه حیات به گردش در نمی‌آمد، در حالی که ارسطو فقط به دگرگونی حیات و جهان اشاره کرده، به هیچ روی بلایی در سخنان او دیده نمی‌شود. حال باید پرسید: حاتمی چگونه از مقایسه این دو دیدگاه متفاوت نتیجه گرفته که شبی در این دیدگاه‌ها متأثر از ارسطو است.

لازم به یادآوری است که مرگ‌اندیشی و مضمون چاره نداشتن مرگ از مضامین عام است که در ایران باستان نیز به شدت مورد توجه بوده است، برای اطلاع بیشتر (نک: سبزیان‌پور، ۱۳۹۰، نگاهی به مثل... ۴۶-

مضامین مشابه در ۱۰۰ شاهد الرسالة الحاتمیة بسیار زیاد است، از جمله: تکلف (ش. ۱۷ و ۹۷)؛ تفاوت ظاهر و باطن (ش. ۲۵ و ۵۶)؛ رنج عاقلان در زندگی (ش. ۳۱ و ۵۷)؛ لزوم مدارا (ش. ۴۴ و ۱۰۰)؛ تشبیه ناکامی به مرگ (ش. ۵۱، ۶۳ و ۶۸) و...

شواهد بی‌ربط

در برخی شواهد حاتمی هیچ ربطی میان شعر متنبی و سخن ارسطو دیده نمی‌شود (نک: باقر، ۱۳۹۰، ۱۹/۵۰۵)، نمونه‌های زیر مؤید این ادعاست:

۱. اهمیت مدارا با مردم

أرسطو: مِنْ صِحَّةِ السِّيَاسَةِ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ مَعَ الْأَيَّامِ، كُلَّمَا أَظْهَرَتْ سُنَّةٌ عَمِلَ فِيهَا بِحَسَبِ السِّيَاسَةِ: از درستی سیاست این است که انسان هم‌سوی روزگار باشد هر وقت سنتی را نشان داد، به حسب سیاست بدان عمل نماید.

وَكُلُّ أَمْرٍ يُؤَلَّى الْجَمِيلَ مُحِبٌّ وَكُلُّ مَكْرٍ يُنَبِّئُ الْعِزَّ طَيِّبٌ

هر انسانی که کار نیکو انجام می‌دهد، دوست داشتنی است و هر محلی که عزت و بزرگی را رشد می‌دهد، پاک است. (ش. ۱۰۰).

با یک نگاه ساده تفاوت سخن منسوب به ارسطو و بیت متنبی مشخص می‌شود، موضوع بیت متنبی مدارا نیست، بلکه ارزش کار نیک است.

حاتمی در بخش دیگری، همین حکمت منسوب به ارسطو را با بیتی دیگر از متنبی مقایسه کرده است (ش. ۴۴).

موضوع مدارا چیزی نیست که اختصاص به یونانیان داشته باشد. این مضمون در حکمت‌های منسوب به ایرانیان باستان دیده می‌شود، از جمله: از پندهای مکتوب بر انگشتر انوشروان: مَنْ لَمْ يُدَارَ عَشَهُ ضَنْكَ...؛ هر کس با زندگی خود مدارا نکند، دچار تنگنا می‌شود (توحیدی، بی‌تا، ۱/۲، ۱۴۱). برای اطلاع بیشتر از آثار این مضمون در ایران باستان، (نک: سبزیان‌پور، ۱۳۸۹، بازنگری...: ۴)

۲. تشبیه فرومایه به حیوان

ارسطو: مَنْ كَانَ هَمُّهُ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ وَالنَّكَاحُ فَهُوَ بِطَبْعِ الْبَهَائِمِ، لِأَنَّ الْبَهَائِمَ مَتَى خَلَّى بَيْنَهَا وَبَيْنَ مَا تُرِيدُهُ لَا تَفْضُلُ شَيْئاً غَيْرَ ذَلِكَ: هر کس سعی و تلاشش خوردن و نوشیدن و ازدواج باشد، در سرشت حیوانات است، زیرا اگر چارپایان را آزاد بگذارند، چیزی غیر از آن را ترجیح نمی‌دهند

أَرَى نَاساً وَمَحْصُولِي عَلَى غَنَمٍ وَذَكَرَ جُودٍ وَمَحْصُولِي عَلَى الْكَلِمِ

مردمی را می‌بینم که بهره‌ام از آن‌ها همچون بهره من از گوسفندان است و از بخشش‌هایی می‌شنوم که بهره‌ام از آن‌ها تنها مشتی حرف است. (ش. ۷۲).

ارسطو در تقسیم‌بندی انسان‌ها، کسانی را که در زندگی فقط به فکر خواب و خوراک هستند مانند حیوان می‌داند، متنبی در فضای بهره و تنگ رقابت در دربار بزرگان، مخالفان خود را از روی خشم، گوسفند می‌نامد و از وعده‌های بدون عمل شکایت می‌کند.

۳. ارزش عفاف و پاکدامنی

ارسطو: لَسْنَا نَمْنَعُ اثْتِلَافَ الْأَرْوَاحِ، وَأَنْمَا نَمْنَعُ اثْتِلَافَ الْأَجْسَامِ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ طَبْعِ الْبَهَائِمِ: ما از بهم رسیدن جان‌ها جلوگیری نمی‌کنیم بلکه از نزدیکی جسم‌ها جلوگیری می‌کنیم، زیرا آن خوی چارپایان است.

وَمَا كُلُّ مَنْ يَهْوَى يَعْفُ إِذَا خَلَا عَقَافِي وَيَرْضَى الْحَبَّ وَالْخَيْلُ تَلْتَقِي

هیچ عاشقی، در خلوت، پاکدامنی مرا ندارد و هیچ کس چون من در زمان جنگ، رضایت محبوب را به دست نمی‌آورد. (ش. ۱۹).

ارسطو از روح و جسم سخن می‌گوید و روابط مبتنی بر جسم و دنیا را حیوانی می‌داند، متنبی از صفات نیک خود سخن می‌گوید: من در زمان جنگ شجاعم و در عشق پاکدامن. انصاف را این دو مضمون چه شباهتی با هم دارند؟ از این گذشته در کجای بیت متنبی بوی حکمت یا فلسفه به مشام می‌رسد؟ این تعبیر متنبی یکی از ده‌ها نمونه از فخر فروشی او به دیگران است.

۴. شناخت درد و درمان

ارسطو: الَّذِي لَا تَعْلَمُ عِلَّتَهُ لَا يُوصَلُ إِلَى بُرْتِهِ: کسی که دردش شناخته نشده به بهبودی دست نمی‌یابد.

وَمِنْ جَاهِلٍ بِي وَهُوَ يَجْهَلُ جَهْلَهُ وَيَجْهَلُ عِلْمِي أَنَّهُ بِي جَاهِلٌ

چه بسا کسی که مرا نمی‌شناسد و نمی‌داند که مرا نمی‌شناسد و نیز نمی‌داند که من می‌دانم که مرا نمی‌شناسد (ش. ۷۰).

ارسطو از یک اصل عقلانی سخن می‌گوید، متنبی از خودش می‌گوید، چیزی که به هیچ روی نمی‌توان آن را حکمت دانست. بی‌ربطی این دو سخن نیازی به توضیح ندارد.

از نمونه‌های بی‌ربط در شواهد حاتمی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

۲۸، ۴۰، ۵۰، ۵۱، ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۹، ۹۸، ۹۹.

بررسی سرچشمه‌های ابیات متنبی

۱. فرهنگ اسلامی

بسیاری از معانی موجود در کتاب الرسالة الحاتمیة در قرآن کریم، نهج البلاغه و حکمت‌های ایرانی دیده می‌شود، برخی از آنها نیز آنقدر عمومی و بدیهی هستند که ادعای اقتباس در آنها معنایی ندارد.

خانواده مذهبی، مادر علوی نژاد و تربیت اسلامی، شخصیتی از متنبی ساخت که از لهو و لعب و شرب خمر و گناه به دور بود. او در کودکی قرآن را حفظ کرد و مضامین قرآن با خون و پوست او آمیخته شد، بسیاری از صاحب‌نظران، مفاهیم حکمی او را برگرفته از قرآن کریم می‌دانند (نک: شجاع‌پوریان، ۱۳۷۶: ۱۵۲-۱۵۵).

تأثیرپذیری متنبی از فرهنگ اسلامی به ویژه حکمت‌های قرآنی از موضوعاتی است که به تفصیل درباره آن سخن گفته شده از جمله شجاع‌پوریان در کتاب اخلاق و حکمت عملی در شعر متنبی^{۱۳} (همان: ۱۵۲-۱۶۹) تأثیر مضامین قرآن کریم را در ۷۵ بیت از متنبی به نقل از شروح عکبری، برقو و یازبجی نشان داده است.

همچنین «تأثیر قرآن و حدیث بر اشعار متنبی» عنوان پایان‌نامه‌ای از زینب روستایی به راهنمایی محمود آبدانان است که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه شهید چمران دفاع شده است.

تأثیرپذیری متنبی از حکمت‌های امام علی (ع) نیز به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است از جمله: کتاب مائة شاهد و شاهد من معانی کلام الامام علی (ع) فی شعر ابي الطیب المعتبری تألیف سید عبدالزّهراء حسینی الخطیب.^{۱۴}

همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «تأثیر اشعار حکمی و کلمات قصار امام علی در اشعار متنبی» از اصغر آینه-چی به راهنمایی امیر محمود انوار در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تأثیرپذیری متنبی را از سخنان امام علی (ع) را نشان داده است.

۲. حکمت‌های منسوب به حکیمان ایرانی

۱-۲. ناتوانی در استفاده از استعدادها

ارسطو: أَعْجَزُ الْعِجْزَةِ مَنْ قَدَرَ أَنْ يُزِيلَ الْعَجْزَ عَنْ نَفْسِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ: ناتوان‌ترین شخص کسی است که می‌تواند ناتوانی را برطرف سازد ولی نمی‌کند.

وَلَمْ أَرِ فِي غُيُوبِ النَّاسِ شَيْئًا كَنَقْصِ الْقَادِرِينَ عَلَى التَّمَامِ

در عیب‌های مردم عیبی را کمتر از کوتاهی افراد توانا بر اتمام کار ندیده‌ام. (ش. ۹۲).

وَقِيلَ لَانُشُرَوَانَ: مَا أَعْظَمُ الْمَصَاطِبِ عِنْدَكُمْ؟ قَالَ: أَنْ تَقْدِرَ عَلَى الْمَعْرُوفِ فَلَا تَصْطَبِعُهُ حَتَّى يَفُوتَ: به انوشروان گفته شد: از نظر شما بزرگترین مصیبت چیست؟ گفت: اینکه قادر به انجام کار نیکی باشی و آن را انجام ندهی تا فرصت از دست برود. (ماوردی، ۱۴۰۷: ۱۷۳)

از انوشیروان پرسیدند: اَيُّ التَّفْرِيطَاتِ الَّتِي يَكُونُ بِهَا أَشَدُّ عَلَيْكُمْ؟ قَالَ: أَنْ تَقْدِرَ عَلَى خَيْرٍ تَعْمَلُهُ فَتُؤَخَّرَهُ وَرَبَّمَا كَانَتْ سَاعَةً فَلَا تُعَوَّدُ: کدام کوتاهی که دچار شده‌اید برایتان سخت‌تر است؟ گفت: اینکه قادر به انجام کار نیکی باشی و آن را به عقب بیندازی، چه بسا فرصتی پیش نیاید. (ابن مسکویه، بی‌تا: ۵۳) و (عاملی، ۱۴۲۰: ۴۱۲/۳)

۲-۲. محرومیت عاقلان و رفاه افراد نادان

ارسطو: الْعَاقِلُ لَا يُسَاكِنُ شَهْوَةَ الطَّبْعِ لِعِلْمِهِ بِزَوَالِهَا، وَالْجَاهِلُ يَظُنُّ أَنَّهَا خَالِدَةٌ لَهُ، وَهُوَ بَاقٍ عَلَيْهَا. فَهَذَا يَشْفَى بِعَقْلِهِ، وَهَذَا يَنْعَمُ بِجَهْلِهِ: عاقل با شهوات هم‌نشین نمی‌شود زیرا می‌داند که آن‌ها فانی هستند، نادان گمان می‌کند آن‌ها برایش ابدی هستند و او نیز باقی می‌ماند پس عاقل بواسطه عقلش تیره بخت می‌شود و نادان به سبب جهلش متمتع می‌گردد.

ذُو الْعَقْلِ يَشْفَى فِي النَّعِيمِ بِعَقْلِهِ وَأَخُو الْجَهَالَةِ فِي الشَّقَاوَةِ يَنْعَمُ

عاقل به سبب عقلش، در نعمت تیره‌بخت می‌شود و جاهل در تیره‌بختی مرقه می‌گردد. (ش. ۳۱)

در پندهای آذریاد: «حِينَ حَضَرَ الْمَالُ عَزَبَ الْعَقْلُ، وَحِينَ حَضَرَ الْعَقْلُ عَزَبَ الْمَالُ»: چون ثروت آید عقل برود و چون عقل آید ثروت برود. (ابن مسکویه، بی تا: ۲۷)

برزجمهر: رَأَيْتُ أَحْمَقَ مَرْزُوقًا وَعَالِمًا مَحْرُومًا، فَعَلِمْتُ أَنَّ التَّدْبِيرَ لَيْسَ إِلَى الْعِبَادِ. (توحیدی، بی تا: ۱۹۰/۴).

(طرطوشی، ۱۹۹۰: ۵۲۲): احمق را دارای روزی و دانشمند را محروم دیدم پس فهمیدم که تدبیر به دست بندگان نیست.

برزجمهر: وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى الْحِرْمَانَ بِالْعَقْلِ وَالرِّزْقَ بِالْجَهْلِ لِيُعْلَمَ أَنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّزْقُ بِالْحَيْلِ لَكَانَ الْعَاقِلُ أَعْلَمَ بِوَجْهِهِ مَطْلَبِهِ وَالْأَخْيَالُ لِكَيْسِهِ. (مناوی، بی تا: ۱/۱۶۳) (زمخشری، ۱۴۱۲: ۱/۴۳۳): خداوند محرومیت را در عقل و روزی را در نادانی قرار داده است، تا دانسته شود که اگر رزق به زرنگی بود، افراد عاقل راه دست یابی به آن را بهتر از دیگران می دانستند.

چند نکته:

قبل از شروع بحث اصلی، لازم به ذکر است که ترجمه‌ی عبارات ارسطو و ابیات متنبی از مؤلفان است. حاتمی هیچ شرح و تحلیل و یا دسته‌بندی و موضوع‌بندی برای ۱۰۰ شاهد خود نیاورده است. شیوه‌ی ما بدین صورت است که ابتدا سخن ارسطو را نقل کرده، بلافاصله به بیتی از متنبی که حاتمی آن را متأثر از ارسطو دانسته، اشاره کرده‌ایم.

۱. شیوه ما در این پژوهش نقل سخن ارسطو و بیت متنبی بر اساس متنی است که در کتاب حاتمی است.
۲. سخنان منسوب به ارسطو و ابیات متنبی را به فارسی ترجمه کرده‌ایم.
۳. در ذیل هر شاهد به نقل اشعاری پرداخته‌ایم که صاحب‌نظران عرب مدّعی شده‌اند که متنبی مضمون خود را از آن‌ها اقتباس کرده است.
۴. شیوه نقل قول ما در ذیل هر شاهد از منابع عربی بر اساس ترتیب تاریخی است.
۵. در نقل شواهد حاتمی، برای اجتناب از تکرار، بدون اشاره به نام حاتمی فقط به شماره حکمت مورد نظر بر اساس کتاب «الرسالة الحاتمية» اشاره کرده‌ایم.
۶. در پایان هر مضمون، پس از نقل دیدگاه‌های صاحب‌نظران، دیدگاه‌های نقدی و اشعار و مضامین مشابه عربی و فارسی را در پی‌نوشت آورده‌ایم.

۷. در بسیاری از شواهد فارسی به امثال و حکم دهخدا به عنوان گنجینه‌ای از امثال، اشعار و عبارات حکمی فارسی و عربی ارجاع داده‌ایم.

۸. بسیاری از شواهد هم‌مضمون با اشعار متنبی در آثار ادبی تکرار شده است در این پژوهش از تکرار آن‌ها در منابع مختلف خودداری کرده فقط به نقل از اولین منبع، بر اساس تقدّم تاریخی اکتفا کرده‌ایم.

۹. علائم اختصاری «ق»، «ن» و «خ» به ترتیب برای کلمات قصار، نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه به کار رفته است.

۱۰. اشعاری که در این پژوهش بدون نام شاعر آمده به این معناست که نام گوینده آن در منابع عربی نامشخص است.

۱۱. مطالبی که عیناً از حاتمی نقل شده است به صورت ایتالیک مشخص شده است.

۱۲. از مشکلات این کار وجود ابیات دشوار و بعضاً غلط در منابع این کتاب است که ترجمه آن‌ها به دشواری صورت گرفته است.

۱۳. انتخاب عنوان هر بخش نیز گاه به سختی انجام شده است زیرا در موارد متعدد سخن ارسطو و متنبی کاملاً از هم جدا بوده، تحت یک عنوان واحد قرار نمی‌گیرد.

۱۴. در صورت تکرار مضمون، در پانوش هر صفحه به ذکر شماره‌های هم‌مضمون پرداخته‌ایم.

۱۵. مؤلفان این اثر بر خود لازم می‌دانند که از دقت نظر آقای دکتر جهانگیر امیری دانشیار ارجمند گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی که زحمت ویراستاری علمی این کتاب را به عهده گرفتند قدردانی کرده، برای نامبرده آرزوی توفیق روزافزون را داشته باشند.

همچنین از سرکار خانم صدیقه رضایی که در امور فنی و صفحه‌پردازی از هر گونه یاری دریغ نمودند کمال قدردانی را داریم.

وحید سبزیان‌پور

تابستان ۱۳۹۲

پی‌نوشت

^۱ - احسان عباس در صحت انتساب این کتاب به حاتمی بنا به دو دلیل شک می‌کند: اول اینکه رابطه حاتمی با فرهنگ یونانی و فلسفه ثابت نشده است. دوم اینکه معانی که حاتمی ذکر کرده است از نظر فلسفی ضعیف است و اهل ادب آن‌را می‌دانند. (نک: عباس، ۱۹۸۳: ۲۴۲-۲۵۱) لازم به ذکر است طبق بررسی‌های صورت گرفته جز تعداد اندکی هیچ منبعی مبنی بر اینکه این حکمت‌ها از ارسطو باشد یافت نشد و انتساب آن‌ها به ارسطو جای تردید دارد.

^۲ - کیلانی (۱۳۴۸: ۳۰) پس از شرح مفصل گفتگوهای متنبی و حاتمی چنین نتیجه می‌گیرد: حاتمی می‌خواست مقام متنبی را پایین آورد ولی جایگاه خود را تنزل داد... او در این رساله دچار غرور و وهوی نفس شده است اگر نگوییم در سخنان خود مرتکب دروغ شده است باید بگوییم دچار غلو و مبالغه شده است.

^۳ - این حکمت‌ها در کتاب اسامه بن نقذ ۹۶ مورد می‌باشد که احسان عباس (۱۹۷۷، ۱۴۹) به خطا تعداد آن‌ها را ۹۲ مورد دانسته است.

^۴ - عکبری در ۶۳ مورد شواهد حاتمی را جز در دو مورد، بدون اشاره به نام ارسطو و حاتمی نقل کرده است.

^۵ - اسماعیل بن عباد طالقانی، به دلیل ملازمت و مصاحبت با ابن عبد، وزیر دانشمند آل بویه، به «صاحب» معروف شد. وی در سال (۳۵۸ هـ. ق) بدروود حیات گفت. درباره‌ی زندگی وی سخن بسیار گفته شده و کتاب‌های بسیاری در شرح حال او تألیف گردیده است. کتاب «الکشف عن مساوی شعر المتنبی» یکی از مهم‌ترین آثار وی می‌باشد. (برای اطلاع بیشتر نک: شاملی، ۱۳۸۱: ۱۵۴) وی به مطلع قصاید و نحوه‌ی شروع آن‌ها اهمیت زیادی می‌داد و از این روست که او در کتاب «الکشف» بر

نحوه‌ی ابتدای قصاید متنبی ایراد می‌گیرد و نحوه‌ی شروع آن‌ها را محل اشکال می‌داند. (نک: محسنی نیا، ۱۳۸۲: ۱۵۰)

^۶ - ابوالحسن علی بن عبدالعزیز مشهور به قاضی در سال (۲۹۰ هـ) در جرجان (گرگان) بدنیا آمد. نام جرجانی در فقه پرآوازه است. قرآن را تفسیر کرد و به تاریخ مشغول شد. وی شاعری ماهر، نویسنده‌ای نوری و ناقدی، است با نظرات دقیق. کتاب «الوساطة بین المتنبی و خصومه» یکی از مهم‌ترین آثار برجای مانده از اوست که در زمینه نقد نگاشته شده است. (نک: ابراهیم، ۲۰۰۶: ۶-۷)

ثعالبی (۱۴۰۳، ۴/۴) می‌گوید: وقتی که صاحب بن عباد کتاب معروفش «مساوی المتنبی» را نوشت قاضی ابوالحسن «الوساطة بین المتنبی و خصومه فی شعره» را بهتر و نیکوتر به رشته تحریر در آورد و قدرت خود را در زمینه علم و ادب عربی و نقد به نمایش گذاشت.

^۷ - ابومحمد حسن بن علی (۳۹۳ ق) ادیب و شاعر مصری را شاعری چیره‌دست و عالمی جامع وصف کرده‌اند، کتاب المصنف او در سرقات متنبی و نقد شعر او نشان از دانش فراوان این دانشمند دارد. با این همه، از آنجا که او در این کتاب بر متنبی خرده گرفته، بسیاری از بزرگان ادب بر وی تاخته و کتاب‌هایی نیز در رد او و دفاع از متنبی نوشته‌اند. (نک: وکیلی، ۱۳۹۰: ۵/۸۶-۸۷)

^۸ - محمد بن احمد بن محمد العمیدی (۴۲۳ق) ادیب، لغوی و نویسنده مصری است که متولی دیوان «الترتیب» و سپس دیوان «الإنشاء» شد. کتاب «الأبانة عن سرقات متنبی» از آثار وی است. (نک: زرکلی، ۱۹۹۰: ۵/۳۱۴ و دهخدا، ۱۳۴۵: ۳۵/۳۶۲)

^۹ - براساس پژوهش‌های صورت گرفته در کتب مختلف، از این نویسنده اطلاعاتی بدست نیاوردیم تا آنجا که حتی ابن عاشور (بی تا: ح) در مقدمه‌ای که بر کتاب «سرقات المتنبی و مشکل معانی» ابن بسام نوشته شده است می‌گوید: در این کتاب که مقابل ما است چیزی جز آنکه تألیف ابن بسام است نوشته نشده است و در باره‌ی زندگی وی چیزی نمی‌دانیم.

^{۱۰} - محب الدین عبدالله بن حسین بن عبدالله (متوفی ۶۱۶ ق) نحوی و فقیه حنبلی در بغداد به دنیا آمد، وی در زمینه علوم مختلف از چنان تبحری برخوردار بود که او را عالم بی نظیر روزگارش می‌خواندند. از ابوالبقاء تصانیف فراوانی برجای مانده است که التبیان فی شرح الدیوان، در شرح دیوان متنبی یکی از آنهاست این شرح مجموعه‌ای از شرح‌های مختلف دیوان توسط افرادی چون ابن جنی، ابوالعلاء معری، خطیب تبریزی، واحدی و آراء کسانی چون ابن فورجه، ابوبکر خوارزمی و دیگران است. در شرح ابیات بر سه نکته اصلی اجواب الفاظ مشکل، شرح لغات غریب و معنای بیت توجه شده است. (نک: صادقی، ۱۳۹۰: ۵/۲۱۶-۲۱۹)

^{۱۱} - عبدالرحمن بن عبدالرحمن بن سعید بن سعید بن احمد معروف به برقوقي (۱۴۱۰ ق) ادیب مصری دانش‌آموخته الازهر، از بنیان‌گزاران مجله‌ی البیان در سال ۱۹۱۰ است. از وی آثار فراوانی برجای مانده است، شرح دیوان متنبی یکی از مهم‌ترین آثار اوست. (نک: زرکلی، ۱۹۹۰: ۳/۳۰۹-۳۱۰)

^{۱۲} - متنبی خود را برتر از دیگران می‌دانست و هیچ‌گاه نمی‌توانست در کلام خود حرفی از بزرگی خود به میان نیاورد، شاید هنگام مدح دیگران سستی در کلامش دیده می‌شد اما هیچ‌وقت در خود ستایی‌هایش سستی نمی‌کرد. (نک: فاخوری، ۱۹۸۷: ۸۰۶)

^{۱۳} - این کتاب برگرفته از پایان‌نامه‌ی شجاعپوریان با همین عنوان در دوره‌ی دکتری ادبیات عرب است.

^{۱۴} - شجاعپوریان (۱۳۷۶، ۱۹۳-۲۱۲) ۷۵ مورد از شواهد حسینی را نقل کرده است.